

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ مسائل مستحدثه (نویدها)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۱۵

نظر علامه خراسانی در مورد سودهای بانکی چیست؟ در صورتی که نظر ایشان بر حرام بودن کلیه سودهای بانکی است، افرادی که قادر نیستند با پول و سرمایه‌ی خود کار کنند و شخص قابل اعتمادی را نیز جهت مشارکت و کار تولیدی نمی‌شناسند چه کار باید بکنند؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۴/۹/۲۰

یکی از گونه‌های ربا، سپردن مال به دیگری به شرط بازپرداخت آن با مقداری بیشتر است و با این وصف، هر سود معلومی که بانک به نسبت سپرده برای سپرده‌گذار شرط می‌کند و به او می‌پردازد، ربا شمرده می‌شود و بنا بر کتاب خداوند حرام است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنِ الْمَضْرَفِ يُودِعُهُ الرَّجُلُ مِنْ مَالِهِ مِائَةَ دِينَارٍ لِيَعْمَلَ بِهِ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى عَلَى أَنْ يُؤْتِيَهُ عِشْرِينَ دِينَارًا مِنَ الرَّبْحِ، قَالَ: هَذَا وَاللَّهِ رَبًّا فَاجْتَنِبُوهُ! قُلْتُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا هُوَ إِلَّا مُضَارَبَةٌ! قَالَ: كَذَّبُوا! أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ رِبْحَ الْمُضَارَبَةِ غَيْرُ مَعْلُومٍ وَلَا مَشْرُوطٌ؟!»^۱ «از منصور آیده الله تعالی درباره‌ی بانک پرسیدم که فردی صد دینار از مال خود را به آن می‌سپارد تا در مدتی معین با آن کار کند در ازای اینکه بیست دینار سود به او پردازد، فرمود: این به خدا سوگند ربا است، پس از آن اجتناب کنید! گفتم: آن‌ها می‌گویند که این مضاربه است! فرمود: دروغ می‌گویند! آیا نمی‌دانند که سود مضاربه نه معلوم است و نه مشروط؟!».

بل واقع آن است که در حال حاضر هر گونه معامله با بانک جز در موارد ضرورت جایز نیست؛ زیرا بانک با ساختار کنونی‌اش اصلی در اسلام ندارد و از بدعت‌های کافران است که همواره در

۱. گفتار ۶۲، فخره‌ی ۱

چهارچوب سیاست‌های اقتصادی آنان عمل کرده و به استیلاء آنان بر دارایی‌های جهان و وابستگی مسلمانان به آنان یاری رسانده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمُنْصُورَ أَيَّدَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنِ الْبَنْكِ، فَقَالَ: سَلْ غَيْرِي! سَلْ هَؤُلَاءِ الْفُقَهَاءَ! قُلْتُ: لِمَذَا؟! قَالَ: لِأَنَّكَ فِي سَعَةٍ مَا لَمْ تَسْأَلْنِي فَإِذَا سَأَلْتَنِي أَحْبَبْتُكَ بِالْحَقِّ فَصَاقَتْ عَلَيْكَ! أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾؟! قُلْتُ: أَحْبَبْتَنِي بِالْحَقِّ وَلَا تَزِدْنِي إِلَى حُفْنَةٍ مِنَ الْقَرَاصِنَةِ! قَالَ: لَا بَنْكَ فِي الْإِسْلَامِ، إِنَّمَا هُوَ وَدَيْعَةٌ وَقَرْضٌ وَمُضَارَبَةٌ وَمَنْ عَامَلَ الْبَنْكَ لَمْ يَسْلَمْ مِنَ الرَّبَا! قُلْتُ: إِلَّا مَنْ أَكْرَهَهُ ظَالِمٌ؟ قَالَ: إِلَّا مَنْ أَكْرَهَهُ ظَالِمٌ! ثُمَّ قَالَ: أَلَيْكَ مَالٌ؟ قُلْتُ: نَعَمْ وَأَتَطَبَّبُ! قَالَ: لَوْ أَلْقَيْتَ مَالَكَ فِي الْبَحْرِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَضَعَهُ فِي الْبَنْكِ، لِأَنَّهُ كَيْسُ الظَّلْمَةِ وَإِنْ كَيْسَهُمْ كَبَيْتِ الْعُنْكَبُوتِ يَنْصِلُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْمَرْكَزِ! قُلْتُ: وَمَا الْمَرْكَزُ؟! قَالَ: كَيْسُ الْأَعْوَرِ»؛

«از منصور آیدہ اللہ تعالیٰ درباره‌ی بانک پرسیدم، پس فرمود: از غیر من بپرس! از این فقہا بپرس! گفتم: چرا؟! فرمود: برای اینکه تا وقتی از من نپرسیده‌ای در گشایش هستی، پس چون از من پرسیدی تو را از حق آگاہ می‌کنم پس بر تو تنگ می‌شود! آیا سخن خداوند بلندمرتبه را نشنیده‌ای که می‌فرماید: <از چیزهایی نپرسید که اگر برایتان آشکار شود بدتان می‌آید>؟! گفتم: من را از حق آگاہ کن و به مشتی دزد و راهزن ارجاع نده! فرمود: در اسلام بانک نیست و تنها ودیعه، قرض و مضاربه وجود دارد و هر کس با بانک معامله کند از ربا سالم نمی‌ماند! گفتم: مگر کسی که ظالمی او را (مثلاً برای کارهای ضروری اداری) اکراه کند؟ فرمود: مگر کسی که ظالمی او را اکراه کند! سپس فرمود: آیا برای تو مالی هست؟ گفتم: آری، من طبابت می‌کنم! فرمود: اگر مالت را در دریا بیندازی بهتر از آن است که در بانک بگذاری؛ چراکه آن کیسه‌ی ظالمان است و کیسه‌ی آنان به تار عنکبوت می‌ماند که برخی از آن به برخی دیگر اتصال می‌یابد تا اینکه به مرکز منتهی می‌شود! گفتم: مرکز کدام است؟! فرمود: کیسه‌ی (مرد) یک چشم!».

از اینجا دانسته می‌شود کسانی که سرمایه‌ای دارند، اگر به خداوند و روز قیامت مؤمن هستند نباید آن را در بانک‌های ظالمان بگذارند، بلکه باید یکی از کارهای زیر را انجام دهند:

۱. خود با توکل بر خداوند، آستین همّت بالا زنند و سرمایه‌ی‌شان را در مکاسبی مشروع و غیر دولتی به جریان بیندازند.

۲. به کسانی از دوستان، خویشان و همسایگان مؤمن و پرهیزکار خود که مکاسبی مشروع و

غیر دولتی دارند بسپارند تا با آن در قالب مضاربه و مانند آن کار کنند و در سود و زیانش به عدالت شریک باشند.

۳. به کسانی دیگر از مسلمانان که مکاسبی مشروع و غیر دولتی دارند بسپارند و از آنان دست خط یا ضمانت بگیرند تا با آن در قالب مضاربه و مانند آن کار کنند و در سود و زیانش به عدالت شریک باشند.

۴. نزد خود در جایی امن نگاه دارند تا هنگامی که خداوند برای آنان بایی را به یکی از کارهای فوق بگشاید و البته از آن در راه خداوند و خلیفه‌اش انفاق کنند تا در دنیا و آخرت، هفتاد برابر به آنان بازگردد ان شاء الله.

همچنانکه شایسته است با تعاون دوستان، خویشان و همسایگان مؤمن و پرهیزکارشان، صندوقی را در میان خود بگشایند تا با رعایت احکام خداوند به یکدیگر قرض الحسنه بپردازند و از وام‌های آلوده و شبهه‌ناک بانک‌ها بی‌نیاز شوند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾؛ «و با یکدیگر در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید و با یکدیگر در گناه و درازدستی همکاری نکنید و از خداوند بترسید؛ چراکه خداوند سخت کیفر است».

بی‌گمان هر کس از خداوند بترسد، او برایش راهی قرار می‌دهد و از جایی که نمی‌پندارد روزی اش می‌رساند؛ چنانکه به روشنی وعده کرده و فرموده است: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۗ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۗ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۗ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾؛ «و هر کس از خداوند پروا کند برای او راه برون‌رفتی قرار می‌دهد و او را از جایی که نمی‌پندارد روزی می‌دهد و هر کس بر خداوند توکل کند او برای او کافی است، هرآینه خداوند به کار خود می‌رسد، خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».



تعليقات

پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۴/۱۰/۵

نویسنده: رضا راضی

پرسش فرعی ۱

حکم حقوق بنده که در واحدی از یک بانک فعالیت می‌کنم و علی‌الظاهر فعالیت‌های بانک مرتبط با عقود اسلامی بوده و عام‌المنفعه است و واحد مربوطه نیز جنبه‌ی ستادی و پژوهشی دارد نه اجرایی، چگونه است؟

۱. المائدة / ۲

۲. الطلاق / ۲ و ۳



فعالیت‌های بانک در حال حاضر، ارتباطی با عقود اسلامی ندارد و هماهنگ با نظام اقتصادی جهانی و غیر اسلامی انجام می‌شود؛ زیرا گرفتن سپرده‌های مردم و تصرف در آن که مبنای فعالیت‌های بانک است، اگر از باب «قرض» انجام می‌شود، نمی‌تواند برای مردم سودی را به ارمغان آورد؛ با توجه به اینکه «قرض» در اسلام برای به دست آوردن سود تشریح نشده، بلکه برای اعانت مسلمانان به یکدیگر تشریح شده و با این وصف، هر گونه سود ناشی از «قرض»، اکل مال به باطل است؛ همچنانکه گرفتن سپرده‌های مردم و تصرف در آن اگر از باب «ودیعه» انجام می‌شود، نمی‌تواند برای بانک سودی را به ارمغان آورد؛ با توجه به اینکه «ودیعه» در اسلام برای به دست آوردن سود تشریح نشده، بلکه برای اعانت مسلمانان به یکدیگر تشریح شده و با این وصف، هر گونه سود ناشی از «ودیعه»، اکل مال به باطل است؛ همچنانکه گرفتن سپرده‌های مردم و تصرف در آن اگر از باب «مضاربه» انجام می‌شود، نمی‌تواند برای مردم سود معلوم و مشروطی را به ارمغان آورد؛ با توجه به اینکه سود عاید از «مضاربه» معلوم و مشروط نیست، بلکه بسته به کیفیت تجارت و شرایط بازار متغیر است و با این وصف، هر گونه سود معلوم و مشروط در آن، اکل مال به باطل است، در حالی که خداوند فرموده است: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ**؛ ^۱ «ای کسانی که ایمان آوردید! اموال یکدیگر را میان خود به باطل نخورید» و با این وصف، هر گونه همکاری با بانک در ساختار کنونی، خصوصاً با توجه به اتصال آن به شبکه‌ی بانکی جهانی که غالباً در خدمت قدرت‌های شیطانی قرار دارد، مصداق همکاری در گناه و تعدی است، در حالی که خداوند از همکاری در گناه و تعدی نهی کرده و فرموده است: **وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ**؛ ^۲ «و با یکدیگر در گناه و تعدی همکاری نکنید و از خداوند بترسید؛ چراکه کیفر خداوند شدید است».

بنابراین، برای مؤمن شایسته است که شغل پاکیزه‌تری برای خود اختیار کند و از فقر نهراسد؛ چراکه خداوند روزی دهنده‌ای مهربان است و برای کسی که از بیم او حرامی را ترک می‌کند، بایی را به حلال می‌گشاید و او را از جایی که انتظار نمی‌برد روزی می‌رساند؛ چنانکه در کتاب خود وعده کرده و فرموده است: **وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۖ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَنْ يَتَّوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۗ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا**؛ ^۳ «و هر کس از خداوند پروا کند برای او راه برون‌رفتی قرار می‌دهد و او را از جایی که نمی‌پندارد روزی می‌رساند و هر کس بر خداوند توکل کند او برایش کافی است؛ چراکه خداوند به کار او می‌رسد، خداوند برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است».

۱. النساء / ۲۹

۲. المائدة / ۲

۳. الطلاق / ۲ و ۳

هزینه‌ای که بانک‌های قرض الحسنه در قبال پرداخت وام و با نام کارمزد از مردم دریافت می‌کنند چه حکمی دارد؟ این مبلغ در حدود ۴ درصد است و آن را با توجیهاتی نظیر هزینه‌های مربوط به مراحل اداری، حقوق نیروی انسانی و استهلاک مربوط به املاک بانک دریافت می‌کنند.

دادن وام به شرط اینکه وام گیرنده درصد معینی بیشتر از مبلغی که واقعاً گرفته است برگرداند، ربوی و حرام است، اگرچه به اسم کارمزد باشد؛ چراکه تغییر اسم، مسمی را تغییر نمی‌دهد و اعمال به نیت است. قرض حسن آن است که وام، بدون شرط بازپرداخت بیشتر و بدون شرط پرداخت جریمه‌ی دیرکرد داده شود و چنین وامی در بانک‌ها داده نمی‌شود؛ چراکه بانک‌ها به دنبال سود هستند، نه به دنبال ثواب و کاری که برایشان سودی نداشته باشد، انجام نمی‌دهند. از این رو، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی از مراجعه به بانک‌ها برحذر داشته و توصیه فرموده است که مؤمنان به جای بانک‌ها، به یکدیگر مراجعه کنند؛ چراکه مراجعه به بانک‌ها، یا انداختن خود در حرام بین است و یا انداختن خود در مشتبّه، در حالی که انداختن خود در مشتبّه نیز کار درستی نیست؛ چنانکه در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «الْحَلَالُ بَيْنَ وَالْحَرَامِ بَيْنٌ وَبَيْنَهُمَا مُشْتَبِهَاتٌ، لَا يَعْلَمُهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، فَمَنْ اتَّقَى الشُّبُهَاتِ اسْتَبْرَأَ لِدِينِهِ وَعِزِّهِ، وَمَنْ وَقَعَ فِي الشُّبُهَاتِ وَقَعَ فِي الْحَرَامِ، كَالرَّاعِي يَزْعَى حَوْلَ الْحِمَى اسْتَبْرَأَ أَنْ يُؤَاقِعَهُ، وَإِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، وَإِنَّ حِمَى اللَّهِ مَحَارِمُهُ»؛ «حلال بین است و حرام بین است و میان آن دو چیزهای مشتبّهی هستند که بسیاری از مردم (کنه) آن‌ها را نمی‌دانند، پس هر کس از چیزهای مشتبّه بپرهیزد، آبروی خود و دین خود را پاس می‌دارد و هر کس در چیزهای مشتبّه بیفتد، در حرام واقع می‌شود، مانند چوپانی که (گوسفندان خود را) در حریم مکان ممنوع می‌چرانند، پس زود باشد که در آن واقع شود و هرآینه برای هر پادشاهی مکان ممنوعی وجود دارد و مکان ممنوع خداوند محرمات او هستند».

۱. مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۷۰؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۲۴۹؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۵۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۱۸؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۳۴۰؛ الکافی للکلینی، ج ۱، ص ۶۸؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۱۰؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۶، ص ۳۰۲ با الفاظ متفاوت



پرسش فرعی ۲

نویسنده: ابراهیم

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

سؤال‌ای که از محضر شریف شما داشتم این است که با توجه به شرایط فعلی ایران در رابطه با گرفتن وام بانکی اعم از وام ازدواج و غیره، همه به طریقی وصل به این موضوع و حتی به تعبیری مجبور به آن هستند. برای مثال همین وام ازدواج را در نظر بگیرید. اگر به هر دلیلی نتوانستید همسر یا خانواده‌ی او را مجاب به استفاده نکردن از این وام کنید، تکلیف چیست؟ آیا مال و یا هر استفاده‌ای که حاصل این وام بوده باشد، حرام است؟ با توجه به وضع معیشتی فعلی و موج گرانی‌ای که روز به روز دارایی‌ها را بی‌ارزش‌تر می‌کند، ممکن است خود من مجبور به گرفتن وام شوم.

پاسخ به پرسش فرعی ۲

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۲/۲

همان طور که می‌دانید، دادن وام به شرط پس گرفتن آن با مقداری اضافه، ربا محسوب می‌شود و ربا از بزرگ‌ترین گناهان است، تا حدی که خداوند آن را اعلان جنگ با او و پیامبرش دانسته است و با این وصف، گرفتن چنین وامی نیز جایز نیست؛ چراکه کمک کردن به گناه است، در حالی که خداوند فرموده است: **﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾**^۱؛ «و به یکدیگر در گناه و تعدی کمک نکنید و از خداوند بترسید که عقاب خداوند شدید است» و واضح است که حرام خداوند با خواهش همسر یا خانواده‌ی او حلال نمی‌شود؛ چنانکه فرموده است: **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾**^۲؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! برخی همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، پس از آنان برحذر باشید (که شما را به سوی حرام نکشاند)» و فرموده است: **﴿وَلَيْنِ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ﴾**^۳؛ «و اگر پس از اینکه علم به تو رسید، از خواهش‌های آنان پیروی کنی، تو آن هنگام از ظالمان خواهی بود». بنابراین، مؤمنان -هرگاه در صورت خودداری از این حرام نمی‌میرند- باید تقوا پیش گیرند و بر سختی‌ها و کمبودهای زندگی صبر کنند و به فناعت و ساده‌زیستی روی آورند و برخی به برخی دیگر یاری رسانند؛ چراکه پاک ماندن در آخر الزمان دشوار است، ولی به همان نسبت اجر بیشتری دارد؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: **«الْمُتَمَسِّكُ بِسُنَّتِي عِنْدَ فَسَادِ أُمَّتِي لَهُ أَجْرُ شَهِيدٍ»**^۴؛ «کسی که در زمان فاسد شدن امتم،

۱. المائدة / ۲

۲. التَّغَابُنِ / ۱۴

۳. البقرة / ۱۴۵

۴. المعجم الأوسط للطبرانی، ج ۵، ص ۳۱۵؛ حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء لأبی نعیم الأصبهانی، ج ۸، ص ۲۰۰؛ الجامع الصغیر للسیوطی، ج ۲، ص ۶۶۴



به سنت من پایبند باشد، برای او اجر یک شهید است» و در روایت دیگری آمده: «لَهُ أَجْرُ خَمْسِينَ شَهِيدًا»^۱؛ «برای او اجر پنجاه شهید است» و در روایت دیگری آمده: «لَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ»^۲؛ «برای او اجر صد شهید است». همچنین از آن حضرت روایت شده است: «سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يُنَالُ الْمُلْكَ فِيهِ إِلَّا بِالْقَتْلِ وَالتَّجْبُرِ وَلَا الْعِنَى إِلَّا بِالْعَصَبِ وَالبُخْلِ وَلَا الْمَحَبَّةَ إِلَّا بِاسْتِخْرَاجِ الدِّينِ وَاتِّبَاعِ الْهَوَى، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَصَبَرَ عَلَى الْفَقْرِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِنَى وَصَبَرَ عَلَى الْبِغْضَةِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْمَحَبَّةِ وَصَبَرَ عَلَى الدُّلِّ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى الْعِزِّ آتَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ خَمْسِينَ صَدِيقًا مِمَّنْ صَدَّقَ بِي»^۳؛ «بر مردم زمانی می آید که حکومت در آن جز با قتل و استبداد و ثروت در آن جز با غصب و بخل و محبوبیت در آن جز با رها کردن دین و پیروی از هوای نفس به دست نمی آید، پس هر کس آن زمان را درک کرد و فقر را تحمل نمود در حالی که می توانست به ثروت برسد و منفور بودن را تحمل نمود در حالی که می توانست به محبوبیت برسد و ذلت را تحمل نمود در حالی که می توانست به عزت برسد، خداوند به او ثواب پنجاه صديق از تصديق کنندگان من را عطا می کند». آری، اجر صديقان و شهيدان - که بزرگ ترين اجر پس از اجر پیامبران است - برای مؤمنی است که وقتی حرام، دنیا را برداشته و همه چیز و همه کس را آلوده است، پاک می ماند، اگرچه مشکلات او را از هر طرف احاطه کرده باشد؛ چراکه پاک ماندن در چنین شرایطی، از نگاه داشتن اخگری سوزان در دست دشوارتر است؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «الْمُتَمَسِّكُ يَوْمَئِذٍ بِدِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرِ»^۴؛ «کسی که در آن زمان به دین خود پایبند می ماند، مانند کسی است که اخگری سوزان را در دست نگاه می دارد». بی گمان این پی آمد قهری عدم حاکمیت خداوند بر زمین است که هر چه بیشتر تداوم یابد، پایبندی به دین را برای مردم سخت تر می کند، تا آن گاه که پیدا کردن یک لقمه ای حلال برایشان از تحمل ضربت شمشیر سخت تر شود؛ چنانکه از علی علیه السلام روایت شده است: «ذَلِكَ حَيْثُ تَكُونُ صَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنَ مِنْ الدَّرْهِمِ مِنْ جِلِّهِ»^۵؛ «آن هنگامی است که تحمل ضربت شمشیر برای مؤمن از یافتن یک درهم پول حلال آسان تر است». این نتیجه ای طبیعی طولانی شدن غیبت خلیفه ای خداوند در زمین است که اگر هر چه زودتر با اراده و اقدام مناسب مردم متوقف نشود، وضعیت بی به مراتب دشوارتر و ترسناک تر را بر جهان حاکم خواهد ساخت؛ چنانکه علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در این باره هشدار داده و فرموده است:

۱. المعجم الكبير للطبراني، ج ۱۰، ص ۱۸۳؛ الإبانة الكبرى لابن بطة، ج ۱، ص ۳۴۴
 ۲. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۲۷ و ۲۲۴؛ الإبانة الكبرى لابن بطة، ج ۱، ص ۳۴۲؛ أمالي ابن بشران، ج ۱، ص ۲۱۸ و ۳۰۶؛ حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء لأبي نعیم الأصبهانی، ج ۸، ص ۲۰۰
 ۳. الكافي للكليني، ج ۲، ص ۹۱؛ شعب الإيمان للبيهقي، ج ۷، ص ۳۶۰
 ۴. مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۹۰؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۳۱؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۳۲۴؛ سنن الترمذي، ج ۳، ص ۳۵۹؛ صحیح ابن حبان، ج ۲، ص ۱۰۹؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۲۲، ص ۲۲۰؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۹۲؛ أمالي الطوسي، ص ۴۸۵
 ۵. نهج البلاغة للرشيد الرضي، ج ۲، ص ۱۲۶؛ ربيع الأبرار للزمخشري، ج ۵، ص ۹۰

«آیا می‌پندارید که اگر در برابرش تسلیم نشوید، آسیبی نخواهید دید و اگر حکومتش را نپذیرید، مشکلی پیش نخواهد آمد؟! هرآینه مرگ بر شما سایه خواهد انداخت، بل چیزی که مرگ را از آن دوست‌تر خواهید داشت! یکدیگر را خواهید درید و از پوست یکدیگر پوستین خواهید ساخت! پدر سر پسر را خواهد برید و پسر گوشت پدر را خواهد خورد! در همه‌ی شهر زنی پاک یافت نخواهد شد و مردی امین به دست نخواهد آمد؛ چراکه همگی تردامن و دزد خواهند بود! مانند کرم در پلیدی خواهید خزید و مانند خوک در لجن خواهید پرید! به پدر و مادرتان دشنام خواهید داد و بر روی خواهر و برادران آب دهان خواهید افکند! خداوند را انکار خواهید کرد و رستاخیز را به سخره خواهید گرفت! برای شیطان سجده خواهید برد و برای شکم و فرج جان خواهید داد! نفرت جسمتان را خواهد سوخت و خشم جانتان را خواهد کاست! از هر دو تن یکی دیوانه خواهد بود، ولی کدام یک معلوم نخواهد بود! خاکتان بوی مدفوع خواهد داد و آبتان رنگ ادرار خواهد گرفت! آسمان شیون خواهد کرد، ولی کسی به آن گوش نخواهد سپرد و زمین خون خواهد برآورد، ولی کسی به آن نخواهد نگریست! تا آن گاه که در نجاست خود غرق شوید و مانند مرداری در نمک استحاله گردید! این بهترین سرنوشت شماس است اگر در برابر خداوند تسلیم نشوید و این خوش‌ترین عاقبت شماس است اگر حکومتش را نپذیرید!».

و فرموده است:

«آیا می‌پندارید که در غیاب او، عدالت را خواهید دید و به شکوفایی خواهید رسید؟! یا می‌پندارید که در غیاب او، امنیت خواهید داشت و خوشبخت خواهید شد؟! نه به خدا سوگند، سپس نه به خدا سوگند؛ بلکه این آرزو را با خود به گور خواهید برد، همچنانکه گذشتگانتان آن را با خود به گور بردند! زیرا خداوند در غیبت گماشته‌اش خیری قرار نداده و در حکومت غیر او برکتی نیافریده است!

راست می‌گویم به شما: در غیبت او، شکم‌هاتان به پشت خواهد چسبید و بر روی خاشاک خواهید خوابید! صبح و شام غضبناک خواهید بود و آرزوی مرگ خواهید کرد! خانه‌های شما غیرمسکون و بازارهاتان تعطیل خواهد شد! زمین‌های زراعی خار خواهد رویاند و درختان میوه خشک خواهد شد! گلّه‌های دام پراکنده خواهند گشت و کسی نخواهد بود که آن‌ها را جمع کند. سرهای شما شپش خواهد گذاشت و دست‌هاتان خاکی خواهد بود! شهرهاتان ویران و روستاهاتان متروک خواهد شد! از کوچه‌های شما کسی عبور نخواهد کرد و درهای شما را کسی نخواهد زد! فئات‌های

شما آب نخواهد داشت و در چاه‌های شما مار لانه خواهد نمود! در میادین تان گرگ خواهد چرخید و بر برج‌هاتان جغد خواهد نالید! بر پنجره‌هاتان عنکبوت تار خواهد تنید و در حوض‌چه‌هاتان وزغ خواهد خواند! در درّه‌های تاریک ساکن خواهید شد و به قلّه‌ی کوه‌ها پناه خواهید برد! در شکاف صخره‌ها پنهان خواهید شد و با چلیپاسه‌های بیابان همنشین خواهید بود! از سرزمین‌های شما دود به آسمان خواهد رفت و آتش آن خاموش نخواهد شد! دشمنانتان بر شما مسلط خواهند گشت و شیاطین غرب و شرق شما را خواهند خورد! گریه‌ی کودکانتان را نخواهند شنید و بر پیران زمین‌گیرتان رحم نخواهند کرد! اموال تان را قسمت خواهند نمود و برای ناموس تان قرعه خواهند زد! مردگانتان را به خاک نخواهند سپرد، بلکه برای سگ‌هاشان خواهند گذاشت!».

نویسنده: فرهاد گلستان تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۲۰

پرسش فرعی ۴

قرارداد برخی از وام‌های بانکی به این صورت است که وام‌گیرنده از طرف بانک وکالت پیدا می‌کند تا کالایی مشخص را به صورت نقد و با پول بانک خریداری نماید و آن را به صورت نسیه به خود بفروشد. از آنجا که بانک‌ها دارای ساختاری غیر اسلامی هستند و در جهت تقویت جبهه‌ی شیطان فعالیت می‌کنند، طبعاً معامله با آن‌ها و دریافت وام به صورتی که گفته شد، حرام است، اما صرف نظر از این جنبه، آیا پرداخت و دریافت وام به صورتی که گفته شد، می‌تواند مصداق معامله‌ی ربوی باشد؟ با توجه به اینکه آنچه باعث ربوی شدن یک معامله می‌شود، پرداخت سود در قبال تبادل پول است، در حالی که در این معامله، حقیقتاً کالایی مبادله می‌شود و تبادل کالا صرفاً روی کاغذ و فاکتور نیست؛ جز آنکه بانک رأساً اقدام به خرید کالای نقد نمی‌کند و وام‌گیرنده را وکیل خود می‌شمارد و از او می‌خواهد که چنین کاری را از طرف بانک انجام دهد. آیا اشکالی به این کار وارد است؟ اگر بله، دلیل آن را توضیح دهید.

تاریخ: ۱۳۹۹/۳/۲۵

پاسخ به پرسش فرعی ۴

اینکه وام‌گیرنده با پول بانک کالایی را به صورت نقد برای بانک بخرد و سپس به صورت نسیه به خودش بفروشد، از این جهت اشکال دارد که وام‌گیرنده وام را در پوشش خرید نسیه از بانک، با مبلغی بیش از آنچه نقداً گرفته است بر می‌گرداند، به نحوی که برای بانک سود داشته باشد و این یک معامله‌ی صوری است که به عنوان حيله‌ای شرعی با قصد گریز از ربا انجام می‌شود؛ زیرا واضح است که مقصود وام‌گیرنده، تنها خرید کالا برای خودش است و مقصود بانک نیز چیزی جز دادن

۱. گفتار

وام به او و رسیدن به سود حاصل از آن نیست، در حالی که معاملات صوری عقلایی نیستند و به کار بردن حيله در شرع محل اشکال است و چیزی که بر عدم جواز آن دلالت دارد سخن خداوند درباره‌ی گروهی از بنی اسرائیل است که با قصد گریز از حرمت صید در روز شنبه، حيله کردند، ولی خداوند حيله‌ی شان را باطل دانست و آنان را به بوزینه تبدیل کرد^۱ و نیز سخن او در نکوهش کسانی که با او خدعه می‌کنند^۲، یا در رابطه با آیاتش به مکر متوسل می‌شوند^۳؛ فارغ از روایاتی که در این باب رسیده است؛ مانند روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که در آن آمده است: «لَا تَزْتَكِبُوا مَا ارْتَكَبْتِ الْيَهُودُ، فَتَسْتَحِلُّوا مَحَارِمَ اللَّهِ بِأَدْنَى الْحَيْلِ»^۴؛ «کاری که یهود کرد را نکنید، تا محرّمات خداوند را با هر حيله‌ای حلال گردانید»؛ خصوصاً با توجه به اصالت نیت در اعمال که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر آن تأکید کرده و درباره‌اش فرموده است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّةِ وَإِنَّمَا لِامْرِئٍ مَا نَوَى»^۵؛ «جز این نیست که اعمال به نیت است و برای هر کسی چیزی است که قصد کرده است».



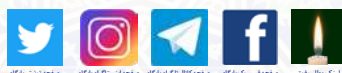
بیت الاسلام
مکتب مطبوعاتی خراسانی



۱. بنگرید به: سوره‌ی أعراف، آیات ۱۶۳ تا ۱۶۶.
۲. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ» (النساء / ۱۴۲)؛ «هرآینه منافقان می‌خواهند خداوند را فریب دهند، در حالی که او فریب دهنده‌ی آنان است».
۳. «وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ صِرَاءٍ مَسْتَهْمٍ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُمُونَ مَا تَمْكُرُونَ» (یونس / ۲۱)؛ «و چون به مردم رحمتی را پس از سختی می‌چشانیم ناگاه در رابطه با آیات ما مکر می‌کنند! بگو خداوند زودتر مکر می‌کند، هرآینه فرستادگان ما مکاری که می‌کنید را می‌نویسند».
۴. إبطال الحیل لابن بطّة، ص ۴۶
۵. مسائل علی بن جعفر، ص ۳۴۶؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۶، ص ۴۸؛ أمالی الطوسی، ص ۶۱۸

www.alkhorasani.com

بیت الاسلام مکتب مطبوعاتی خراسانی حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.